

مجله علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)
سال سوم، شماره دوم، (پیاپی ۹)، تابستان ۱۳۹۲
تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۷/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۹/۲۰
صص: ۱۵۶-۱۴۳

بررسی میزان مشارکت زنان روستایی در توسعه روستایی (نمونه موردی: دهستان امام زاده جعفر، استان کهگیلویه و بویراحمد)

علی حیدری

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه یاسوج

چکیده

در جهان امروز مشارکت هر چه بیشتر مردم در تمام زمینه‌های اجتماعی از ویژگی‌های عمده جامعه مدنی و توسعه یافتگی یک کشور شناخته می‌شود. در سطح جهان بیشترین تمرکز بر چگونگی دستیابی به اهداف توسعه همه جانبه است. کسب شخصیت اجتماعی، وابسته به مشارکت و خارج شدن از دایره فعالیت‌های شخصی و خصوصی است و از این روست که امروزه کوشش برای توسعه همه جانبه هر کشوری بیش از پیش متوجه مشارکت زنان شده است. جامعه آماری این پژوهش زنان ۱۵ سال به بالای روستاهای دهستان امامزاده جعفر استان کهگیلویه و بویر احمد بوده که تعداد آنان ۴۳۳۸ نفر است. حجم نمونه پژوهش ۳۰۰ نفر است که با استفاده از فرمول کوکران انتخاب گردیده است. در این پژوهش، انواع مشارکت اعم از مشارکت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بررسی شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بین اعتماد، رضایت از طرح‌های اجرا شده، آگاهی و مشارکت اجتماعی زنان رابطه مستقیم وجود ندارد، اما بین مولفه‌های انگیزه، پایگاه اجتماعی، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و مشارکت اجتماعی زنان رابطه مستقیم وجود دارد. همچنین بین سن و میزان مشارکت اجتماعی زنان رابطه مستقیم وجود دارد. تفاوت معناداری بین میزان مشارکت اجتماعی افراد مجرد و متأهل مشاهده شد. **واژه‌های کلیدی:** توسعه روستایی، مشارکت، زنان روستایی، کهگیلویه و بویر احمد، دهستان امامزاده جعفر.

مقدمه و طرح مساله

در نظریه‌های توسعه، انسان نقطه شروع تغییرهای اجتماعی محسوب می‌شود. این باور توسط آن گروه از اندیشمندان که دستیابی به توسعه پایدار را در گرو توسعه انسانی می‌دانند، مطرح شده است. گرچه زنان، این نیمی از واقعیت، باید نیمی از نیروی فعال هر جامعه محسوب شوند و در برنامه‌های توسعه از سهم مادی و معنوی هم‌سنگ با نقش‌شان برخوردار باشند، اما از نظر اشتغال، کسب درآمد، برخورداری از تحصیلات و احراز مقام‌های اجتماعی هنوز در سطوح بسیار پایین قرار دارند. براساس گزارش بانک جهانی پنجاه درصد نیروی کار کشاورزی جهان در اختیار زنان قرار دارد و آنان مسئول آماده کردن غذای دو سوم جمعیت جهان هستند و این درحالی است که به دلایل فرهنگی و حقوقی، زنان دسترسی و کنترل محدودی بر منابع دارند و تنها ۵ درصد از زنان روستایی از خدمات ارائه شده در سطح روستا استفاده می‌کنند. البته منابع تنها منابع مالی نیستند، بلکه دربردارنده منابع انسانی همانند آگاهی زنان و منابع اجتماعی همانند سازمان‌های خودجوش زنان، تعاونی‌های زنان و یا گروه‌های خود یار در سطح محله‌ای نیز هستند که خود در توانمندسازی زنان برای انتخاب‌های آگاهانه تر و کاهش آسیب پذیری در زندگی موثر می‌باشد (اعظمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۷۹).

رویکرد جنسیت در توسعه بر این باور پافشاری می‌کند که ترکیب زنان در فرآیند توسعه، در فضایی جدا از مردان و فارغ از روابط اجتماعی این دو گروه تحقق نخواهد یافت. در قالب سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مبتنی بر نظریه‌های جنسیتی، در

سال‌های اخیر برنامه‌ها و پروژه‌هایی بسیار با هدف درک و حل آنچه که مسأله زنان نامیده می‌شود، طراحی شده است. در این نظریه‌ها، به موازاتی که از انگاره تک‌نقشی زنان، به انگاره‌های دو نقشی و بلکه چند نقشی و از ملاحظات کاربردی به سمت ملاحظات راهبردی پیش رویم، به ترتیب از نظریه‌های سیاست‌گذاری رفاه، برابری، فقرزدایی و کارآیی به تواناسازی می‌رسیم (پژوهشکده زنان، ۱۳۸۱: ۱۳).

مشارکت را می‌توان یکی از معیارهای موفقیت توسعه فراگیر بشمار آورد. زنان به عنوان نیمی از نیروی انسانی موجود در جوامع بشری که خود یکی از مهمترین منابع توسعه اند، نقش بسزایی در توسعه جوامع انسانی ایفا می‌کنند. مسأله جایگاه زنان در توسعه نسبت به وضع مردان هم جذاب و هم پیچیده است، چرا که بسیاری از مقولات تجربه‌ای بشری را دربرمی‌گیرد و جایگاه زنان در هر جامعه‌ای را می‌توان تنها با مراجعه به اقدام‌های سیاسی و اقتصادی صورت گرفته در آن توضیح داد. این مسأله نیز دارای اهمیت است که جایگاه و مرتبه زنان در توسعه مطلبی ایستا و فاقد پویایی نیست و افزون بر این جایگاه زن باید همواره با توجه به شرایط زمانی و مکانی در حال تغییر و از جمله شرایط شکل دهنده اقتصاد و سیاست نوین جهانی مورد ارزیابی قرار گیرد. بستر و شرایطی که جایگاه زنان در توسعه با توجه به آن‌ها سنجیده می‌شود، در بی ثباتی مداوم است و تحت تاثیر پیشرفت‌های فناوری، روابط موجود میان دولت و بازار، آموزش و پرورش و متغیری بی اندازه بی ثبات به نام "نگرش" قرار می‌گیرد (جانستون و دیگران ۱۳۸۳: ۲۹۳). هر چند به

عنوان پدیده‌ای کلی در جوامع بشری حضور زنان در عرصه‌های مختلف مشارکت در حال گسترش است، اما کیفیت و کمیت آن در جوامع گوناگون متفاوت است. مثلاً در بیشتر کشورهای جهان زنان نقش فرعی در عرصه‌های سیاسی دارند، ولی در جوامع دموکراتیک حق رای دادن یکی از حقوق تثبیت شده همه زنان است (زهدی گهرپور، ۱۳۸۸: ۲۱).

اگرچه در چند دهه اخیر به دلیل اجرای برنامه‌های توسعه، سطح سواد و تحصیلات و مهارت‌های حرفه‌ای و تخصصی زنان و به تبع آن انتظارات اجتماعی زنان در جامعه ایران بالا رفته است، اما شواهد و مدارک نشان می‌دهد که متناسب با ارتقای سطح تحصیلات و مهارت‌های زنان، مشارکت زنان در حوزه‌های مختلف رشدچندانی نداشته است (قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۱) و این موضوع در خصوص زنان روستایی مصداق بیشتری می‌یابد. با توجه به این که توسعه پایدار روستایی مستلزم وجود انسانهای مشارکت‌جو و مسئولیت‌پذیر است، سوال اساسی پژوهش حاضر این است که میزان مشارکت زنان روستایی جامعه مورد مطالعه در فرآیند دست‌یابی به توسعه روستایی چگونه است و از چه عواملی تأثیر می‌پذیرد؟

بررسی پیشینه تحقیق

ازکیا، و غفاری، (۱۳۸۰) در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان یافته روستاییان در نواحی روستایی شهرستان کاشان" موضوع مشارکت اجتماعی سازمان یافته روستاییان را بررسی کرده‌اند. انسجام اجتماعی در قالب سه شاخص گرایش روستاییان نسبت به

یکدیگر، میزان تعامل اجتماعی و میزان نزاع در بین روستاییان سنجش شده و مشارکت اجتماعی سازمان یافته از طریق مولفه‌های عضویت مشارکتی، موقعیت مشارکت، مشارکت در اجرا و مشارکت در تصمیم‌گیری مورد سنجش قرار گرفته است. با بررسی رابطه بین دو متغیر مورد مطالعه مشخص شده است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد همبستگی معناداری بین آن‌ها وجود دارد (غفاری، ۱۳۸۰: ۱۷۵). عنایت (۲۰۰۱) در تحقیق خود با عنوان "مشارکت سیاسی زنان در ایران: یک مطالعه جامعه‌شناختی" با بررسی بر روی نمونه مورد مطالعه ۱۱۲ نفری از زنان که در موقعیت‌هایی چون نمایندگی مجلس، مشاور وزیر و استاندار و مدیریت در سطوح بالای تصمیم‌گیری به فعالیت سیاسی مشغول بوده‌اند به این نتیجه رسید که اکثر این زنان دارای تحصیلات دانشگاهی هستند و از خانواده‌های هسته‌ای ساکن در مناطق شهری برخاسته‌اند. در عین حال بیشتر آنان متأهل بودند و در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ ساله قرار داشتند. از نتایج مهم این پژوهش آن بود که در شکل‌گیری و تکوین شخصیت زنان مذکور به طور خاص و زنان فعال سیاسی به طور عام، دو عامل جامعه‌پذیری خانوادگی و فرهنگ سیاسی تأثیر گذار بوده است. در پایان محقق به تأثیر وقایع عمیق اجتماعی به خصوص وقوع انقلاب اسلامی ایران بر نگرش و رفتار زنان فعال سیاسی تأکید کرده است.

موحد (۱۳۸۲) در مطالعه‌ای که با عنوان "مشارکت سیاسی زنان و عوامل اجتماعی موثر بر آن" بر روی نمونه ۲۱۸ نفری از زنان شاغل و خانه‌دار ساکن در شهرستان بندر عباس با بهره‌گیری از روش پرسشنامه و مصاحبه رو در رو پژوهش خود را به

نتیجه دست یافته است که پایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان از جمله مهمترین متغیرهای کلیدی است که می‌تواند بر میزان مشارکت آنان تاثیر داشته باشد (صفری شالی، ۱۳۸۷: ۱۱۸-۱۰۵).

عناستانی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان بررسی میزان تاثیرپذیری مشارکت زنان از سرمایه اجتماعی در نواحی روستایی، به این نتیجه دست یافته‌اند که سرمایه اجتماعی دارای تاثیر متوسط و مثبت بر مشارکت پذیری زنان روستایی است (عناستانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۹).

عناستانی و همکاران (۱۳۹۱) در بررسی رابطه ویژگی‌های فردی زنان و مشارکت آنان در فرایند توسعه روستایی دهستان درزآب شهرستان مشهد به این نتیجه رسیدند که بین سن زنان و درآمد ماهیانه آنان با انواع مشارکت رابطه معناداری وجود دارد (عناستانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۱).

فلدمن^۵ (۱۹۹۷) معتقد است که زنان روستایی بر اساس توانایی خود در بسیاری از امور تولیدی اعم از زراعی، دامی، تولید فراورده‌های کشاورزی و صنایع دستی فعالیت دارند که هر چه تولیدات آن در برخی موارد جنبه خود مصرفی داشته، اما اغلب برای کسب درآمد و عرضه به بازارهای ملی و بین‌المللی انجام می‌گیرد. با این حال با توجه به ساختار نظام‌های بهره برداری کشاورزی بسیاری از کشورها و تسلط بهره برداری‌های کوچک و متوسط و مزارع خانوادگی که عمده نیروی کار آنان را زنان و کودکان بدون مزد تشکیل می‌دهند، هنوز آمار رسمی و جامعی از میزان مشارکت آنان در مراحل گوناگون تولیدات کشاورزی در دست نیست. افزون بر آن

انجام رسانده و به این نتیجه رسید که میزان مشارکت سیاسی زنان مورد مطالعه در سه جنبه شناختی^۱، ارزیابانه^۲ و عاطفی^۳ از کنش اجتماعی مدنظر تالکوت پارسونز^۴ بالاتر است و بیشترین تمایل به مشارکت نیز مربوط به جهت گیری‌های عاطفی است. در عین حال پژوهش او نشان داد که به حسب "میزان تحصیلات" و "نوع اشتغال" و "طبقه اجتماعی" زنان پاسخگو، میزان مشارکت سیاسی آنان نیز تفاوت معنا داری نشان می‌دهد (موحد، ۱۳۸۲: ۳).

عبداللهی (۱۳۸۳) در تحقیقی با عنوان "زنان و نهادهای مدنی" بر روی نمونه انتخاب شده از جامعه آماری زنان پانزده سال به بالای ساکن در مناطق شهری ایران انجام پژوهش خود را انجام داد و دریافت که عوامل خرد به ویژه پایگاه اجتماعی یا موقعیت و نقشی که زنان در فرایند اجتماعی شدن در جامعه بوجود می‌آورند نقش درجه یک را در تعیین مشارکت مدنی آنان ایفا می‌کند (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۷۶).

صمدیان و یزدان پناه (۱۳۸۷) در بررسی عوامل موثر بر میزان مشارکت اجتماعی زنان شهر کرمان به این نتیجه رسیدند که متغیرهای زمینه‌ای (وضعیت تاهل و تحصیلات) با مشارکت رسمی رابطه معنادار داشته است. از طرف دیگر ویژگی‌های خانوادگی با مشارکت غیر رسمی رابطه معنادار و مثبت داشته است (صمدیان و یزدان پناه، ۱۳۸۷: ۱۲۷).

صفری شالی (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با میزان مشارکت زنان روستایی در امور و مسائل خانوادگی و اجتماعی به این

1-cognitiv
2- evaluation
3-affective
4-Talcott parsons

مهارت‌های رهبری و تشویق زنان به مشارکت در احزاب سیاسی بسیج کنند

کارولینا رودریگز بلو^۳ (۲۰۰۳) در مقاله‌ای با عنوان "زنان و مشارکت سیاسی" با مرور برخی آمارهای رسمی در باره حضور زنان در عرصه‌های سیاسی، به روش‌هایی برای افزایش مشارکت سیاسی زنان از جمله "استراتژی مشارکت سیاسی"^۴ اشاره می‌کند.

برندا اونیل^۵ (۲۰۰۴) در مطالعه خویش با عنوان "جنسیت، مذهب، سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی" بر تعهدگرایی مذهبی به عنوان یک عنصر سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی میان زنان در آمریکا تاکید می‌کند و همچنین به دنبال بررسی رابطه میان مشارکت زنان در سازمان‌های مذهبی و ایجاد سرمایه اجتماعی است. نتایج این مطالعه نشانه وجود ارتباط میان عقاید و فعالیت‌های مذهبی با رفتارهای سیاسی است. وی همچنین بیان می‌کند که احتمال بیشتری وجود دارد که زنان به فعالیت‌های مذهبی به طور منظم تری نسبت به مردان توجه کنند. تعهد مذهبی برای زنان فرصت‌هایی برای تحت اختیار گرفتن دامنه وسیعی از فعالیت‌ها برای آنان فراهم کرده است و همچنین دامنه مهارت‌های اجتماعی زنان را نیز گسترش می‌دهد. در نهایت یافته‌ها نشان می‌دهد تعهد مذهبی زنان می‌تواند بر توسعه و افزایش سرمایه اجتماعی کمک کند.

- فرزانا بری^۶ (۲۰۰۵) در مقاله‌ای با عنوان "مشارکت سیاسی زنان، مسایل و چالش‌ها" می‌نویسد موانع ساختاری و کارکردی‌ای که در برابر مشارکت

هنوز دسترسی زنان بر درآمدهای حاصل از این فعالیت‌ها اندک است و فاقد استقلال اقتصادی مورد انتظار هستند در حالی که سهم کاری آنان اقتضا می‌کند از چنین استقلالی برخوردار باشند.

وی وین^۱ (۲۰۰۴) در مقاله مشارکت سیاسی- اجتماعی زنان در جهان تاکید نموده اگر مشارکت در امور سیاسی را به معنای شرکت آگاهانه در امور حکومتی و دخالت در امور جامعه بدانیم، مشارکت سیاسی عالی‌ترین فعالیت اجتماعی و اساس زندگی اجتماعی به شمار می‌رود. مشارکت سیاسی حق همه مردم است و مشارکت زنان به این دلیل از اهمیت و ارزش برخوردار است که بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌ها را تقلیل داده و بستری مناسب برای ایجاد توسعه پایدار ایجاد می‌کند. یادآور سخن دبیر کل سازمان ملل که "می‌دانیم صلح بادوام بدون توسعه امکان پذیر نیست و آگاهی که هیچ توسعه‌ای بدون اینکه زنان سهم کامل خود را داشته باشند، تحقق نخواهد یافت.

بونگ- سوک سون^۲ (۱۹۹۷). در مقاله‌ای با عنوان "حضور و مشارکت سیاسی زنان در جمهوری کره" اذعان داشته است که در جمهوری کره، زنان به دلیل مسولیت‌های خانگی، اقدامات اجتماعی و قانونی تبعیض آمیز، مشکلات اقتصادی، فقدان مهارت‌ها و منابع سازمانی، نوع نگرش نسبت به خود، طبیعت رژیم حاکم و فرایند سیاسی موجود، در مناصب سیاسی و انتخابی حضور کم رنگی دارند. او معتقد است گروه‌های مرتبط با زنان باید قدرت و ابتکار عمل خود را برای ارتقای آگاهی سیاسی، افزایش

3-Carolina rodriguez bello

4-Political participation

5-Brenda oneill

6-Farzana bari

1-Vivien

2-Bong ° scuk- sohn

۳- بین پایگاه اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی زنان روستایی رابطه وجود دارد.

۴- بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، وضعیت تاهل، تحصیلات) و میزان مشارکت اجتماعی زنان روستایی رابطه وجود دارد.

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش زنان ۱۵ سال به بالای روستاهای دهستان امامزاده جعفر است که تعداد کل جامعه آماری مذکور ۴۳۳۸ نفر بوده و حجم نمونه‌ای برابر با ۳۰۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران انتخاب گردید. روش نمونه‌گیری در این پژوهش نمونه‌گیری اتفاقی است.

ابزار مطالعه

روش تحقیق این پژوهش پیمایشی است و روش پیمایشی براساس شاخص‌های مختلف، متفاوت است. براین مبنای روش تحقیق از بعد هدف توصیفی - تحلیلی، از بعد زمان به شکل مقطعی (سال ۱۳۹۱)، از بعد جامعه مورد بررسی بزرگ مقیاس، از بعد واحد تحلیل متمرکز بر افراد، از بعد کنترل متغیرها یک گروهی و غیر آزمایشی است. ابزار مورد استفاده در این تحقیق پرسشنامه است. پرسشنامه از نظر طراحی مبتنی بر طیف پنج گزینه‌ای لیکرت بوده و فضای لازم برای سایر موارد نیز در نظر گرفته شده است. برای تعیین روایی با استفاده از نظرات متخصصان دانشگاهی برنامه‌ریزی روستایی از روایی صوری استفاده شده است. برای تعیین پایایی از آزمون الفای کرونباخ استفاده شده است که مقدار آن با استفاده از نرم افزار SPSS برابر با ۰/۷۲٪ بدست آمد. برای تجزیه و

سیاسی زنان وجود دارد، محصول روابط اجتماعی و سیاسی موجود در یک جامعه است. وی همچنین معتقد است که به دلیل عدم حضور زنان در راس اجتماعات انسانی، آنان از وسایل مشارکت سیاسی مانند مهارت‌های سیاسی، منابع اقتصادی، آموزش، یادگیری و دسترسی به اطلاعات محروم هستند و فرصت‌های آموزش، سلامت و اشتغال، به طور مستقیم با توانایی زنان در خلق فضای مناسب مرتبط با سیاست و توسعه پیوند دارد.

اسکاچپول^۱ (۱۳۸۷) در مقاله خود با عنوان "مسئله زن و حضور زنان در اجتماع" نشان می‌دهد که براساس تقسیم کار اجتماعی هرگاه زنان فرصت حضور مثبت اجتماعی یافته‌اند، منزلتشان رشد کرده است و در زمان‌هایی که احساس نیاز به نقش اجتماعی آنان کم شده اعتبار پایینی داشته‌اند. به هر صورت در اغلب زمان‌ها زنان در بین همه اقشار سکاندار خانواده بوده‌اند و نوع نگرش به آنان در طبقات بالای سیاسی و فرهنگی جامعه کمتر مثبت بوده است.

روش تحقیق

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌های پژوهش حاضر به شرح زیر هستند:

۱- بین میزان اعتماد، انگیزه، رضایت از خدمات ارائه شده، آگاهی و میزان مشارکت اجتماعی زنان روستایی رابطه وجود دارد.

۲- بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و مشارکت اجتماعی زنان روستایی رابطه وجود دارد.

درصد افراد در فاصله سنی ۱۵ تا ۲۵ سال، ۳۱ درصد در فاصله سنی ۲۶ تا ۳۵ سال، ۳۵/۳ درصد در فاصله سنی ۳۶ تا ۴۵ سال و ۲۳ درصد در گروه سنی بالاتر از ۴۵ سال قرار دارند.

تحلیل داده‌ها از ضرایب همبستگی پیرسون، آزمون t مستقل، آنالیز واریانس یک طرفه استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱ توزیع فراوانی سن باسرخگویان را نشان می‌دهد. بررسی جدول نشان می‌دهد ۱۰/۷

جدول ۱. وضعیت فراوانی سنی پاسخگویان

طبقات	۱۵ تا ۲۵ سال	۲۶ تا ۳۵ سال	۳۶ تا ۴۵ سال	بالاتر از ۴۵ سال
فراوانی	۳۲	۹۳	۱۰۶	۶۹
درصد	۱۰/۷	۳۱	۳۵/۳	۲۳

نتایج پژوهش نشان داد که ۴۷/۷ درصد از زنان روستا در تصمیم‌گیری‌های محله مشارکت دارند. ۴۰ درصد در رویدادهای اجتماعی مشارکت دارند. ۴۹/۷ درصد از زنان روستا در کلاس‌های آموزشی شرکت می‌کنند. که ۷۹/۳ درصد از زنان روستایی در راهپیمایی‌ها مشارکت دارند. ۷۰/۳ زنان روستایی در انتخابات مشارکت می‌کنند. ۳۸/۷ درصد از زنان بسیج مشارکت فعال دارند. ۵۰/۳ درصد از زنان روستایی در کانون‌های فرهنگی مشارکت دارند و ۳۲/۳ درصد از آنان در انجمن اولیا و مربیان فعال هستند. ۵۱ درصد در باشگاه‌های ورزشی مشارکت دارند، همچنین ۱۴/۷ درصد از زنان روستایی در مشارکت‌های اقتصادی مانند، پرداخت عوارض، کمک‌های مالی و... مشارکت دارند.

همچنین از جامعه آماری ۲۲۵ نفر یا ۷۵ درصد متاهل و ۷۵ نفر یا ۲۵ درصد مجرد بوده‌اند. در پژوهش حاضر، میزان مشارکت به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است و برای آن سنججه‌هایی همانند میزان حضور در تصمیم‌گیری‌های محلی، حضور در رویدادهای اجتماعی همانند عزاداری‌ها و جشن‌ها، شرکت در راهپیمایی‌ها، شرکت در انتخابات مختلف، حضور در کانون‌های فرهنگی و محافل ادبی، شرکت در کلاس‌های آموزشی فوق برنامه، عضویت در دسته‌های ورزشی، شرکت در بسیج، مشارکت‌های اقتصادی، حضور در انجمن‌های داوطلبانه و خیریه مورد توجه بوده که عوامل مختلفی بر روی آن تاثیر گذار هستند. از جمله مهمترین عوامل می‌توان از میزان اعتماد، میزان انگیزه، میزان رضایت، میزان آگاهی، پایگاه اجتماعی، میزان دسترسی به رسانه‌های جمعی، سن، وضعیت تاهل و میزان تحصیلات اشاره نمود.

نتایج بررسی رابطه متغیر وابسته و متغیرهای مستقل اعتماد اجتماعی، انگیزه، رضایت از خدمات ارائه شده و آگاهی جدول شماره ۲ آورده شده است.

جدول ۲: نتایج ضریب همبستگی متغیر وابسته و متغیرهای مستقل اعتماد اجتماعی، انگیزه، رضایت از خدمات ارائه شده و

آگاهی

ردیف	نام متغیر مستقل	ضریب همبستگی Pearson Correlation	سطح معناداری (Sig. (2_tailed)
۱	اعتماد اجتماعی	۰/۰۴۸	۰/۱۴۷
۲	انگیزه	۰/۴۴۱	۰/۰۰۰
۳	رضایت از خدمات ارائه شده	۰/۰۸۱	۰/۱۶۴
۴	آگاهی	۰/۰۸۸	۰/۱۳۰

معناداری برآورد شده ۰/۱۳۰ بوده است و رابطه معناداری بین آگاهی و مشارکت اجتماعی زنان وجود ندارد. به نظر می‌رسد به دلیل این که مشارکت زنان روستایی در برخی موارد ناشی از نیت خیرخواهانه و معتقدات مذهبی است، عامل آگاهی تاثیر چندانی بر میزان مشارکت نداشته است.

به منظور بررسی رابطه بین پایگاه اجتماعی و مشارکت اجتماعی زنان که در فرضیه دوم مطرح شده بود از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج بدست آمده از انجام آزمون پیرسون بین پایگاه اجتماعی و مشارکت اجتماعی زنان نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بدست آمده ۰/۱۱۲ و سطح معناداری برآورد شده ۰/۰۰۸ است که کمتر از آلفا ۰/۰۵ است. بنابراین فرض یک H_1 تایید و فرض صفر H_0 رد می‌شود. یعنی رابطه معناداری بین پایگاه اجتماعی و مشارکت اجتماعی زنان وجود دارد. بنابراین هرچه نمره پایگاه اجتماعی بالاتر باشد مشارکت زنان هم بیشتر و برعکس هرچه پایگاه اجتماعی پایینتر باشد مشارکت زنان هم کمتر است. بنابراین با افزایش پایگاه اجتماعی باید شاهد افزایش مشارکت هم بود.

نتایج بدست آمده از انجام آزمون پیرسون بین اعتماد و مشارکت اجتماعی زنان نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بدست آمده ۰/۰۴۸ و سطح معناداری برآورد شده ۰/۱۴۷ که بیشتر از آلفا ۰/۰۵ درصد است و رابطه معناداری بین اعتماد و مشارکت اجتماعی زنان را نشان نداد.

همچنین نتایج بدست آمده از انجام آزمون پیرسون بین انگیزه و مشارکت اجتماعی زنان نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بدست آمده ۰/۴۴۱ و سطح معناداری برآورد شده ۰/۰۰۰ است که کمتر از آلفا ۰/۰۵ درصد است و در حد کم رابطه معناداری بین انگیزه و مشارکت اجتماعی زنان وجود دارد. انجام آزمون پیرسون بین رضایت از طرح‌های اجرا شده و مشارکت اجتماعی زنان نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بدست آمده ۰/۰۸۱ و سطح معناداری برآورد شده ۰/۱۶۴ است و رابطه معناداری بین رضایت از طرح‌های اجرا شده و مشارکت اجتماعی زنان وجود مشاهده نشد.

نتایج بدست آمده از انجام آزمون پیرسون بین آگاهی و مشارکت اجتماعی زنان نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بدست آمده ۰/۰۸۸ و سطح

جدول ۳. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین بایگه اجتماعی و مشارکت اجتماعی زنان

ضریب همبستگی Pearson Correlation	سطح معناداری (Sig. (2_tailed)	بایگه اجتماعی
۰/۱۱۲	۰/۰۰۸	

رابطه معناداری بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و مشارکت اجتماعی زنان وجود دارد. بنابراین نتیجه می‌گیریم هرچه نمره استفاده از رسانه‌های جمعی بالاتر باشد، مشارکت زنان هم بیشتر می‌شود و برعکس هر چه میزان استفاده از رسانه‌های جمعی پایین‌تر باشد مشارکت زنان هم کمتر می‌شود. بنابراین با افزایش نمره میزان استفاده از رسانه‌های جمعی باید شاهد افزایش مشارکت زنان هم بود.

به منظور بررسی رابطه بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و مشارکت اجتماعی زنان از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج بدست آمده از انجام آزمون پیرسون بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و مشارکت اجتماعی زنان نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بدست آمده ۰/۱۳۹ و سطح معناداری برآورد شده ۰/۰۱۶ می‌باشد که کمتر از آلفا ۰/۰۵ می‌باشد. براین مبنا فرض یک H₁ تایید و فرض صفر H₀ رد می‌شود. یعنی

جدول ۴. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و مشارکت اجتماعی زنان

ضریب همبستگی Pearson Correlation	سطح معناداری (Sig. (2_tailed)	میزان استفاده از رسانه‌های جمعی
۰/۱۳۹	۰/۰۱۶	

است در حد کم رابطه معناداری بین سن و مشارکت اجتماعی زنان وجود دارد. بنابراین نتیجه می‌گیریم که با بالا رفتن سن مشارکت زنان هم تا حدودی بیشتر می‌شود و برعکس با پایین آمدن سن میزان مشارکت هم کمتر می‌شود.

رابطه بین سن و مشارکت اجتماعی زنان از ضریب همبستگی پیرسون مورد محاسبه قرار گرفت نشان داد که ضریب همبستگی به دست آمده ۰/۱۸۸ و سطح معناداری برآورد شده ۰/۰۰۱ است و با توجه به این که سطح معنی‌داری کمتر از آلفا ۰/۰۵ درصد

جدول ۵. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین سن و مشارکت اجتماعی زنان

ضریب همبستگی Pearson Correlation	سطح معناداری Sig. (2_tailed)	سن
۰/۱۸۸	۰/۰۰۱	

گردید و نتایج آن در جدول شماره ۶ آورده شده است. همان‌طور که جدول نشان می‌دهد، میانگین

به منظور بررسی رابطه بین وضعیت تاهل و میزان مشارکت اجتماعی زنان از آزمون t مستقل استفاده

کمتر از آلفا ۰/۰۵ درصد است و در نتیجه تفاوت معناداری بین میزان مشارکت اجتماعی مجردان و متاهلان وجود دارد.

مشارکت مجردان ۳۷/۴ و میانگین مشارکت متاهلان ۳۳/۵ است که نشان دهنده وجود تفاوت در میانگین مشارکت اجتماعی زنان است. مقدار آماره t برابر با ۹/۱۳۳ و سطح معناداری برآورد شده ۰/۰۰۰ است که

جدول ۶. آزمون t نمونه‌های مستقل مشارکت اجتماعی زنان بر حسب وضعیت تاهل

وضعیت تاهل	فراوانی	میانگین وضعیت تاهل	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری
مجرد	۷۵	۳۷/۴	۱	۹/۱۳۳	۰/۰۰۰
متاهل	۲۲۵	۳۳/۵	۳/۶		

f برابر با ۴۰/۴۴۳ و سطح معناداری برآورد شده ۰/۰۰۰ است که کمتر از آلفا ۰/۰۵ درصد است و بیانگر این موضوع است که میزان مشارکت اجتماعی زنان با توجه به سطح تحصیلات گوناگون متفاوت است.

رابطه بین میزان تحصیلات و میزان مشارکت اجتماعی زنان از آنالیز واریانس یک طرفه مورد محاسبه قرار گرفت و در جدول شماره ۷ درج گردید. نتایج به دست آمده از انجام آزمون آنالیز واریانس یک طرفه بین میزان تحصیلات و میزان مشارکت اجتماعی زنان نشان می‌دهد که مقدار آماره

جدول ۷. نتایج آزمون آنالیز واریانس یک طرفه بین میزان تحصیلات و میزان مشارکت اجتماعی

Sig	مقدار f	میانگین	تعداد	سطح سواد
۰۰۰ .۰	۴۰/۴۴۳	۳۲/۳	۱۰۱	بیسواد
		۳۶/۵	۱۴۳	ابتدایی
		۳۴	۲۸	راهنمایی
		۳۳	۲۸	دیپلم
		۳۴/۵	۳۰۰	کل

متغیرهای مستقل عبارتند از اعتماد، انگیزه، آگاهی، رضایت از خدمات ارائه شده، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، دسترسی به رسانه‌های جمعی، تحصیلات، سن، وضعیت تاهل بوده است. برای سنجش رابطه بین متغیر مستقل و وابسته از ضریب همبستگی پیرسون، آزمون t مستقل و آنالیز واریانس یک طرفه استفاده شده است. از سنجش رابطه بین متغیر وابسته

بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر که به روش پیمایشی در فاصله فروردین تا تیرماه سال ۱۳۹۱ در روستاهای دهستان امامزاده جعفر انجام گرفت، میزان مشارکت زنان دهستان مذکور مورد بررسی قرار گرفت. پیش فرض این پژوهش بر این نکته بوده است که مشارکت زنان روستایی در امر توسعه کم رنگ و بی رونق است. متغیر وابسته این پژوهش، مشارکت زنان روستایی و

-وجود تفاوت معناداری بین میزان مشارکت اجتماعی مجردان و متاهلان، که برای بررسی رابطه بین وضعیت تاهل و میزان مشارکت زنان از آزمون T مستقل استفاده شده است و میزان مشارکت متاهلان با ۷۵ درصد بالاترین میزان است.

-برای بررسی میزان تحصیلات و میزان مشارکت اجتماعی زنان از آنالیز واریانس یک طرفه استفاده گردید. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که میزان مشارکت اجتماعی زنان با توجه به سطح تحصیلات گوناگون متفاوت است. نتیجه این که میزان مشارکت اجتماعی زنان روستایی عمدتاً به صورت ۷/۷۴ درصد شرکت در تصمیم‌گیری‌های گروهی و محله ۳/۴۰ درصد شرکت در رویدادهای اجتماعی مانند، عزاداری، عروسی و سایر مراسم‌های دیگر تجلی یافته است. ۳/۷۵ درصد در راهپیمایی‌ها و ۳/۷۰ درصد در انتخابات اعضای شورا و سایر انتخابات و ۷/۳۸ درصد از زنان در بسیج به عنوان مشارکت سیاسی فعال هستند. ۳/۳۲ درصد از آنان در انجمن اولیا و مربیان و ۳/۵۰ درصد در کانون‌های فرهنگی به عنوان مشارکت فرهنگی فعال هستند. ۵۱ درصد در باشگاه‌های ورزشی مشارکت دارند و در نهایت مشارکت اقتصادی زنان روستایی ۷/۱۴ درصد است. نتایج پژوهش حاضر با نتایج مطالعه موحدمجد (۱۳۸۲) که نشان داد مشارکت سیاسی زنان بر حسب میزان تحصیلات، نوع اشتغال، و طبقه اجتماعی تفاوت معناداری نشان می‌دهد و همین‌طور با نتایج مطالعات عبدالهی (۱۳۸۳) و صفی‌شالی (۱۳۸۷) که نشان داد مشارکت مدنی زنان با پایگاه اجتماعی آنها مرتبط است مطابقت دارد. همچنین نتایج پژوهش حاضر با نتایج مطالعات صمدیان (۱۳۸۷) و

مشارکت و متغیرهای مستقل نتایجی شرح زیر به دست آمده است.

-نبود رابطه معنادار بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی زنان؛

-نبود رابطه معنادار بین رضایت از خدمات ارائه شده و مشارکت اجتماعی زنان؛

نبود رابطه معنادار بین آگاهی و مشارکت اجتماعی زنان؛

-وجود رابطه معنادار بین انگیزه و مشارکت اجتماعی زنان؛ یعنی با افزایش انگیزه مشارکت زنان هم افزایش می‌یابد و برعکس با کاهش انگیزه مشارکت زنان هم کاهش می‌یابد؛

-وجود رابطه معنادار بین پایگاه اجتماعی و مشارکت اجتماعی زنان؛ یعنی با افزایش پایگاه اجتماعی مشارکت زنان هم افزایش می‌یابد و برعکس با کاهش پایگاه اجتماعی مشارکت زنان هم کاهش می‌یابد؛

-وجود رابطه معنادار بین سن و مشارکت زنان، یعنی با افزایش سن مشارکت زنان هم افزایش می‌یابد و برعکس.

-وجود رابطه معنادار بین استفاده از رسانه‌های جمعی و مشارکت اجتماعی زنان؛ یعنی با افزایش استفاده و دسترسی به رسانه‌های جمعی مشارکت زنان هم افزایش می‌یابد. البته وسایل مختلف بسته به نوع برنامه و ارتباط، تاثیرات مختلفی بر مشارکت دارند. در بین این وسایل‌ها رادیو و تلویزیون فراگیرترین وسایل ارتباط جمعی محسوب می‌شوند، که ۳/۴۴ درصد از زنان به تلویزیون و ۷/۷۷ درصد از زنان به رادیو دسترسی دارند که رابطه معناداری با مشارکت دارند.

عنا بستانی و همکاران (۱۳۹۱) که نشان دادند متغیرهای زمینه‌ای تاهل، تحصیلات و سن بر میزان مشارکت موثرند، همسو است.

راهکارها و پیشنهادات

موانع اجتماعی و فرهنگی موجود بر سر راه مشارکت زنان، نابسامانی و عدم همخوانی آموزش‌ها و نیازها و پتانسیل‌های اشتغال برای زنان، نگاه سنتی به زنان، نظام نگرش مرد سالارانه حاکم بر روستا زنان روستایی را در حصار تنگی از مشکلات قرار داده و آن‌ها را دچار سردرگمی کرده است. نقش آموزش زنان هنگامی بیشتر اهمیت می‌یابد که بر اساس مطالعات انجام شده تاثیر چشمگیر آموزش و تحصیلات را در امری مانند ازدواج و فرزندآوری، تربیت فرزندان، مشارکت و حضور در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی باور کنیم. افزون بر این با افزایش سطح تحصیلات، میزان مشارکت آنان افزایش یافته و زندگی مطلوب‌تری را برای خود رقم می‌زنند. بنابراین سواد آموزی و کسب آموزش‌ها و مهارت‌های مختلف یکی از مناسب‌ترین وسایل پیشرفت زنان روستایی است. از سوی دیگر به منظور تحقق همه اهداف، نوسازی فردی زنان روستایی نیز الزامی است. تغییر در نگرش زنان روستایی تا جایی که خود را در عرصه جریان‌ات زندگی اجتماعی و خانوادگی، شخصیت‌های مستقل، مقتدر، توانمند و تصمیم گیرنده بدانند به مشارکت آنان کمک می‌کند. همچنین باید به دو نکته مهم دیگر توجه شود: اول آن که زنان روستایی بخش قابل توجهی از نیروی تولید جامعه را تشکیل می‌دهند و بنابراین نقش مهمی در توسعه ایفا می‌کنند. دوم آن که، توسعه روستایی بدون جلب مشارکت

زنان روستایی و بدون توجه به نیازها و مسایل آنان ممکن نیست.

- اولین و مهمترین شرط لازم برای مشارکت روستاییان، بهره‌مندی از میدان فعالیت و امکان کار کردن است.

- دولت توسعه خواه باید حضور مردم و مسولیت مردم را باور کند و زمینه را برای حضور مردم در تصمیم گیری‌ها فراهم سازد و برای همه افراد با هرجنسیت و سنی فرصت نمود در امر مشارکت‌ها ایجاد گردد. در این راستا، بهینه سازی قوانین و مقررات و روزآمد نمودن آنها باری حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی موثر هستند. همچنین مسولیت‌ها باید به صورت گردشی توزیع شود.

- با توجه به این نتایج پژوهش، وجود رابطه ی معنی دار بین دسترسی به رسانه‌ها و افزایش مشارکت را تایید نمود، گسترش دسترسی به رسانه‌های جمعی با کمترین هزینه برای زنان روستایی، برای افزایش مشارکت آنها بسیار ضروری و لازم است.

- تقویت و گسترش نهادهای مدنی وانجمن‌های مردم نهاد و تشویق زنان به ایجاد و حضور در این گونه تشکل‌ها مورد نیاز و ضروری است.

منابع

- ۱- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری. (۱۳۸۰)، بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان یافته روستاییان در نواحی روستایی شهرستان کاشان، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره ۳۶.
- ۲- اسکاچپول، تدا. (۱۳۸۷)، توده مردم در انقلاب مشروطه ایران، مقالاتی در جامعه شناسی ایران،

- شماره ۲، بهار ۱۳۸۳.
- ۱۰- عنابستانی، علی اکبر، جوان، جعفر و سحر احمدزاده. (۱۳۹۱)، بررسی میزان تاثیرپذیری مشارکت زنان از سرمایه اجتماعی در نواحی روستایی (نمونه موردی: دهستان درزآب - شهرستان مشهد)، فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۲۱، تابستان ۱۳۹۰.
- ۱۱- عنابستانی، علی اکبر، جوان، جعفر و سحر احمدزاده. (۱۳۹۱)، بررسی رابطه ویژگی‌های فردی زنان و مشارکت آنان در فرایند توسعه روستایی (نمونه موردی: دهستان درزآب - شهرستان مشهد)، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره ۱۲، بهار ۱۳۹۱.
- ۱۲- قادرزاده، امید و حجت الله یوسفوند. (۱۳۹۱)، سنجش عوامل جامعه شناختی موثر در مشارکت مدنی زنان، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۰، شماره ۴.
- ۱۳- موحد مجد، مجید (۱۳۸۲)، مشارکت سیاسی زنان و عوامل موثر بر آن، مطالعات زنان سال اول شماره سوم، زمستان ۱۳۸۲.
- 14- Bari, farzana. (2005), wmm s III itiala participation: issues and challenges, united nations, egm/wpdoee, p. 8-11, Bangkok, Thailand.
- 15- Bong, Scuk- Sohn (1997), Women's Political Engagement and Participation in the Republic of Korea. 1 Barbara J. Nelson & Najma Chowdhury (EDs.), Women and Politics Worldwide, 2nd. Edition, p. 437-447, India: Delhi, Pashupati Printers, Oxford University Press. 1997.
- 16- Enayat, halimeh. (2001), political participation of women in Iran: a sociological study , PhD thesis , Punjab university, chandigarh, India.
- 17- Feld man (1997), the basic concept of rural ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نشر شیرازه.
- ۳- اعظمی، موسی و هما سروش مهر. (۱۳۸۹)، تاثیر متغیرهای فردی و اقتصادی زنان روستایی بر مشارکت آنان در تعاونی‌های تولید، پژوهش‌های روستایی، شماره ۴.
- ۴- پژوهش‌شکده زنان. (۱۳۸۱)، نظریه‌های سیایت‌گذاری برنامه‌ریزی‌های جنسیتی، مجموعه گزارش‌های همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران، مؤسسه‌ی عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- ۵- جانستون " الف " و دیگران. (۱۳۸۳)، جغرافیای تحول جهانی، ترجمه نسرين نوریان، انتشارات دوره ی جنگ و دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران.
- ۶- زهدی گهرپور، محمد. (۱۳۸۸)، تحلیل فضایی پدیده دموکراسی در خاورمیانه، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی به راهنمایی زهرا پیشگاهی فرد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- ۷- صفری شالی، رضا. (۱۳۸۷)، عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با میزان مشارکت زنان روستایی در امور و مسائل خانوادگی و اجتماعی، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، شماره ۲۰.
- ۸- صمدیان، فاطمه و لیلا یزدان پناه. (۱۳۸۷)، تاثیر ویژگی‌های فردی و اجتماعی بر میزان مشارکت اجتماعی زنان کرمانی، مطالعات زنان، سال ۶، شماره ۲.
- ۹- عبدلهی، محمد. (۱۳۸۳)، زنان و نهادهای مدنی: مسایل، موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان در ایران، مجله جامعه شناسی ایران دوره پنجم،

- whrnet. org/docs/issue-women-politics.
Html. [7/15/2006].
- 20- Vivien, lowndes (2004), getting on or getting by? Woman, social capital and political participation, BJPIR, VOL6,45-64.
- woman participation, agricultural economy and planning research institute publication.
- 18- Oneill, Brenda. (2004), gender, religion, social capital and political participation. Prepared for delivery at the annual meeting of the American political science association.
- 19- Rodriguez Bello, Carolina (2003) ,Women and Political Participation» WHRnet (A project of AWID). Nov 2003. <http://www.>

